

مفهوم و نقش برنامه‌ریزی در امر بهائی

شاپور راسخ

تعاریف

"فرهنگ روز سخن" در تعریف برنامه می‌نویسد: "مجموعه‌ای از کارها و فعالیت‌ها که طرح‌ریزی شده و باید در زمان خاصی انجام شود، و نیز جدول زمان‌بندی شده‌ای که فهرست فعالیت‌ها و زمان اجرای آنها در آن نوشته شده." برنامه معانی دیگری هم دارد که در اینجا مورد بحث ما نیست. همان فرهنگ در تعریف برنامه‌ریزی می‌گوید: "فراهم کردن مقدمات کاری بر اساس هدفی معین - طراحی کردن جزئیات - زمان‌بندی چگونگی کار یا فعالیتی منظم."

در اصطلاح اهل بهاء کلمه نقشه، که در جغرافیا هم پذیرفته است، به صورت مترادف برنامه به کار می‌رود. فرهنگ روز سخن علاوه بر نقشه جغرافیائی و نقشه ساختمان، ذکر نقشه در معنای برنامه را نیز می‌کند: "نقشه یعنی طرح یا برنامه ذهنی برای دستیابی به هدفی معین، طرح برنامه."

فرهنگ فرانسوی ژبر Robert هم عناصر اصلی برنامه‌ریزی را سه چیز می‌داند. برنامه‌ریزی به گفته ژبر عبارت است از تعیین هدف‌های دقیق و مشخص، و به کار انداختن وسائل برای نیل به آن هدف‌ها در مهلت معلوم. به اعتقاد این بنده

برنامه‌ریزی غالباً مؤثرترین وجه رسیدن به هدف را مطمح نظر دارد. هرگاه ماحصل تعاریف کارشناسان از برنامه plan و برنامه‌ریزی را در آغاز بخواهیم مطرح کنیم باید بگوئیم که برنامه در معنای محدود کلمه همان نقشه است، یعنی تصویر نمادی و ذهنی طرحی که باید به اجرا نهاد، یا عملی که باید انجام داد، و به این اعتبار سخن از نقشه ساختمان و یا نقشه یک شهر گفته می‌شود. در حقیقت، برنامه تنها یک پیش‌بینی ساده نیست، طرحی است برای اجرا، به شرط آن که وسائل تحقق آن طرح هم به کار گرفته شود. چون سخن از وسائل می‌رود، ناچار هم منابع موجود و بالقوه، که وسائل نیل به هدف است، مطرح می‌شود، و هم محدودیت‌ها و تنگناها که باید از پیش پای برداشت.

در جهان اقتصاد کلمه برنامه plan نخست برای طرح‌های محدود، مثل نقشه شهرسازی به کار رفت، ولی پس از پدید آمدن اقتصادهای اشتراکی، و به خصوص از سال ۱۹۲۸ میلادی، بود که کلمه پلان یا برنامه به معنای سازمان‌دادن مجموع فعالیت‌های اقتصادی یک کشور معمول شد و هدف اصلی برنامه تحقق رشد یا توسعه قرار گرفت که به قول آلبرتینی M. Albertini^۱ در ممالک فقیرتر بیشتر معطوف به مبارزه با فقر و گرسنگی است و در ممالک غنی‌تر متوجه صنعتی شدن و تکامل فنی و حصول رفاه مادی ناشی از آن.

می‌توان گفت که لوازم اصلی برنامه‌ریزی پنج چیز است: اول، آینده‌نگری و پیش‌بینی هدف؛ دوم، در نظر گرفتن وسائل نیل به هدف؛ سوم، منظور داشتن عوامل مجریه؛ چهارم، زمان‌بندی؛ پنجم، آنچه در موارد قبل نیامد، ولی در تجربه برنامه‌ریزان امری مسلم تلقی می‌شود، ارزیابی پیشرفت در طول راه است از نظر میزان هزینه، از نظر عنصر زمان، از نظر درجه مؤثر بودن روش کار و مانند آن.

هم از ابتدا می‌توان گفت که همه لوازم برنامه‌ریزی در آئین بهائی جمع است: اولاً، داشتن تصویری از آینده و هدف‌گرایی؛ ثانیاً، نظم در امور و رفتار عقلانی؛ ثالثاً، اعتقاد به لزوم تمسک به اسباب برای رسیدن به هر هدفی؛ چهارم، وجود حسّ مسئولیت در فرد و جمع؛ پنجم، اهمیت دادن به عنصر زمان؛ و بالاخره ششم، ارزیابی مستمر از اعمال خود.

بیان مجملی در باره هر یک از این ۶ مطلب عاری از فایده نخواهد بود. حضرت بهاء‌الله مکرر یادآور شده‌اند که در اول هر امری باید به آخر آن، یعنی عاقبت و نتیجه آن، فکر کرد،^۲ و آثار بهائی هدف زندگی فردی را که در ادیان سابقه نیل به رستگاری بود عوض کرده و به جای آن خدمت به اصلاح عالم را مقرر داشته است. چند نمونه از آثار جمال ابهی در این مورد در اینجا نقل می‌شود:

- به اصلاح عالم و انتشار امر مالک قدم عمر گرانمایه را مصروف دارید (منتخبات، ص ۱۲۲).
- جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند (منتخبات، ص ۱۴۰).
- از خود بگذرید و در سایرین نگرید. منتهای جهد را در تربیت ناس مبذول دارید (منتخبات، ص ۱۴).
- یا حزب‌الله به خود مشغول نباشید. در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید (ص ۶۷).
- نوصیکم بخدمة الامم و اصلاح العالم (لوح عهدی).
- طوبی از برای نفسی که امروز بقصد اصلاح عالم سر را بفراش می‌گذارد و برمی‌دارد. بهترین اعمال محبت با اهل عالم است (مائدة آسمانی، ج ۸، ص ۱۱۲).
- یا احببتي ما خلقتم لانفسکم بل للعالم. ضَعُوا ماینفعکم و خذوا ما ینتفع به العالم (گلزار تعالم بهائی، ص ۱۷۰).
- این ظهور محض نجات و اصلاح و اتحاد و اتفاق و راحت اهل عالم بوده (گلزار، ص ۱۷۰).
- انسان بزرگ است. هم‌تث هم باید بزرگ باشد در اصلاح عالم و آسایش امم (لوح مقصود).
- الَّذی جعله الله الدِّرِیاق الاعظم و السَّبب الاتم لصحَّته [صحَّة هیکل جهان] هو اتّحاد من علی الأرض علی امر واحدٍ و شریعة واحدة (منتخبات، ص ۱۶۴).

آینده‌نگری و فرجام‌پژوهی eschatology در ذات همه ادیان الهی بوده و هست. ادیان هندی به "سامسارا" و زادن‌های پیاپی انسان و نحوه خروج از این دایره

نامیمون می‌اندیشیدند. ادیان غرب آسیا هم از ابتدا متوجه یوم رستاخیز بودند، چنان که عملاً تمام آیات و سوره‌های مکی در اسلام در وصف یوم آخر است. اما دیانت بهائی این امتیاز را دارد که به ارائه تصویر آینده که تحقق مواعید گذشتگان است اکتفا نکرده، بلکه در پی آینده‌سازی است و، چنان که به اشارات آمد، دعوتش به رستگاری شخصی نیست، بلکه به اصلاح عالم و بهتر کردن سرنوشت هموعان است.

برنامه‌های توسعه، خاصه برنامه‌های اقتصادی، معمولاً چارچوب ملی دارند. از ویژگی‌های برنامه‌ریزی بهائی جهان‌نگری آن است. "در جمیع احوال انسان باید متشبث شود با سبایی که سبب و علت امنیت و آسایش عالم است." (حضرت بهاءالله)

در مورد نظم در امور و رفتار عقلانی جای گفتن بسیار است. ملخصاً باید اشاره کرد که در آثار حضرت ربّ اعلیٰ ضرورت نظم و ترتیب در همه امور و در همه جا، حتی خانه‌ها، بازارها، و اماکن عمومی، مطرح است، و اهمیت عقلانیت چنان است که فی‌المثل در کتاب چهارشان، باب هفدهم از واحد دهم آمده است که در این عالم هر چیزی باید با سبب خودش ایجاد گردد، مانند آن که اروپائیان (اصطلاح انجیلیون بکار رفته، یعنی مسیحیان) با فراهم نمودن اسباب و وسائل مظفر و غالب شدند. اهل بیان نیز باید پیروی آنها را کنند و در امور خود با اسباب ظفر یابند و منتظر امور غیبیه موهومه نباشند. (اصل بیان به عربی است. مضمون آن از کتاب آئین باب، نگارش ع.ف. نقل شد.)

نیازی به ذکر اهمیت عقل و خرد در آثار مقدسه بهائی به نظر نمی‌آید. امر بهائی دیانتی است عقلانی و در امر مبارک نیز به لزوم توسل به اسباب در عین استمداد روحانی از مسبب اسباب توجه شده است.^۲

دیانت بهائی تأکید خاص در مدخلیت فرد در مسیر زندگی خود دارد، و در حالی که بعضی کارشناسان توسعه اقتصادی اسلام را مساعد با مذهب جبر Fatalisme دانسته‌اند، چنین نسبتی را به جامعه و امر بهائی مطلقاً نمی‌توان داد.

"يَا ابْنَ الْوُجُودِ صَنَعْتِكَ بِأَيَادِي الْقُوَّةِ وَ خَلَقْتِكَ بِأَنَامِلِ الْقُدْرَةِ وَ أَوْدَعْتَ فِيكَ جَوْهَرَ نُورِي فَاسْتَعْنِ بِهِ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ" صريح کلمات مکنونه عربی است.

حسّ مسؤولیت نسبت به جمع و هشیاری در مورد زمان از خصوصیات عمده جامعه بهائی است. در لوح حکمت، خطاب به جناب محمدنبیل قائنی، که مجموعه‌ای از گوهرهای گرانبهای حکم و مواعظ است، جمال ابهی می‌فرماید: "قل لاتصرفوا نقود اعمارکم النفیسه فی المشتہیات النفسیہ و لا تقتصروا الامور علی منافعکم الشخصیة."

و این مضمون که "وقت را غنیمت شمر زیرا این وقت را دیگر نبینی و این زمان را هرگز نیابی" در الواح الهیه به صور مختلف تأکید و تکرار شده است. از جمله، در کلمات مکنونه فرموده‌اند: "ای ابناء غفلت - به پادشاهی فانی دل مبنید و مسرور شوید. مثل شما مثل طیر غافلی است که بر شاخه باغی در کمال اطمینان بسراید و بغتة صیاد اجل او را به خاک اندازد. دیگر از نغمه و هیکل و رنگ او اثری باقی نماند. پس پند گیرید ای بندگان هوی."

زمان آگاهی در دیانت بهائی به درجه‌ای است که مطلع و مصدر امر فقط به چند حکم از احکام مورد نیاز بشریت در کتاب مستطاب اقدس و الواح سایره اکتفا فرموده و با توجه به تحول اوضاع و شرائط زمان، وضع احکام و قوانین دیگر را به بیت‌العدل اعظم الهی سپرده است. جمال ابهی در مورد دگرگونی مقتضیات زمان مکرراً در آثار مبارکه بیاناتی فرموده‌اند، از جمله در لوح مانکچی صاحب: "هر روز را رازی است و هر سر را آوازی. درد امروز را درمانی و درد فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید." (دریای دانش، ص ۳) هشیاری به زمان و ارزیابی راه رفته و راه باقی‌مانده در این بیان جمال مبارک در کلمات مکنونه عربی به خوبی نمودار است: "یا ابن الوجود - حاسب نفسک فی کل یوم من قبل ان تحاسب، لأن الموت یتیک بغتة و تقوم علی الحساب فی نفسک." یعنی همه روزه به حساب نفس خود برس پیش از آن که از تو حساب کشند، زیرا مرگ ناگهان می‌آید و در نفس خود برای حساب [آخرت] قیام خواهی کرد (مضمون).

تمایل به عزت و انزوا در بعضی از ادیان گذشته وجود داشت. حضرت بهاءالله دیرنشینان و صومعه‌گزینان را دعوت فرموده‌اند که از گوشه‌گیری قصد فضا نمایند و به کاری مفید و مؤثر در این عالم مشغول گردند، زیرا با وجود بی‌اعتباری و

ناپايداري اين جهان، كلّ عوالم الهی حول آن بوده و هستند.^۴ و در اين عالم است که انسان با کوشش در کسب فضائل و خدمت به عالم انسانی می‌تواند توشه‌ای شايسته برای سفر ابدی خود به دست آورد.

"دنيا را وفائی نبوده و نيست. جهد نماييد تا در اين ايام فانيه کسب لثالی باقيه نماييد. عمل پاک و مقدّس البته در کتاب حفظ الهی محفوظ خواهد ماند. طوبی از برای نفسی که به اين مقام فائز شد."^۵

برنامه‌ريزي در حيات فردی و جمعی

برنامه‌ريزي تنها در سطح وسيع جامعه بهائي اهميت ندارد، کما اين که با نزول الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء و طرح‌ريزي فتح روحانی ممالک و ديار عالم مشغله نخستين بيت العدل اعظم الهی در اين زمان است، بلکه در حيات فرد بهائي و جماعات هم پایگاه و نقش مهمی حائز است.

بعضی از جلوه‌های برنامه‌ريزي در حيات فرد بهائي عبارتند از:

- ۱- هدف‌گرائی (از جهتی کمال‌طلبي و از جهت ديگر خدمت برای بهبود عالم)؛
 - ۲- نظم و ترتيب در زندگي روزمره، از جمله وقت‌شناسی و اغتنام وقت؛^۶
 - ۳- شرکت منظم در حيات جامعه، از جمله در ضيافات نوزده‌روزه و مجالس مخصوص ايام تسعه؛
 - ۴- احتراز از کذب، و تقيد به وفاداری به قول و عهد خود؛
 - ۵- کوشائی در تحصيل علم و بعد تحصيل معاش در عين عدم تعلق شديد به مال دنيا و مواهب ديگر دنيوی (وارستگي به معنای صحيح کلمه)؛
 - ۶- آراستگي به ادب و مهربانی نسبت به عموم خلق و صداقت در دوستی؛
 - ۷- برکنار داشتن خود از هرگونه آلودگي، از جمله عادات مضره.
- در اين برنامه‌ريزي همواره بيان جمال اقدس ابهي در لوح حکمت راهنمای فرد است: "کونوا قدوة حسنة بين الناس و صحيفة يتذکر بها الأناس ... اجعلوا اشراقکم افضل من عشيکم و غدکم احسن من امسکم ... فضل الانسان في الخدمة و الکمال، لا في الزينة و الثروة و المال ..."

یعنی (به اختصار) سرمشق نیکوئی در برابر مردم باشید ... بامدادتان را بهتر از شامگاه کنید و فردایتان را نیکوتر از امروز سازید ... فضل و برتری آدمی را در خدمت و کسب کمال دانید ...

تشویق به کمال‌طلبی در آثار مبارکه حضرت ربّ اعلیٰ با قوّت بسیار مطرح است. بهشت هر چیز کمال اوست و البته هر چیز را باید به کمال آن رساند. برنامه‌ریزی در سطح اجتماعات و محافل بهائی معمولاً به این صور جلوه‌گر می‌شود:

- ۱- تشکیل لجنه محلی تبلیغ؛
- ۲- تشکیل بیوت تبلیغی - انستیتوها؛
- ۳- پرورش مبلغ که با همّت نفوسی چون جناب صدرالصدور همدانی و نعیم اصفهانی در ایران آغاز شد؛
- ۴- تشویق مستمرّ احباء به تبلیغ و، عنداللزوم، مهاجرت؛
- ۵- نشر اخبار مربوط به موفقیت‌های تبلیغی.

برنامه‌ریزی بهائی برنامه‌ریزی فرهنگی است

برنامه‌ریزی بهائی از نوع برنامه‌ریزی فرهنگی با مشخصات خاصّ است که با انواع دیگر برنامه‌ریزی مشتبه نمی‌شود. در مرتبه اولی باید به جنبه روحانی این برنامه‌ریزی توجه کرد که هدفش انتقال اعتقادات جدید و ارزش‌های اخلاقی و روحانی تازه است. ثانیاً، برنامه‌ریزی بهائی از نوع دستوری و آمرانه نیست، چون به قوه مجبره‌ای تکیه ندارد. معذّلك نظر به جنبه ایمانی، برنامه قدرت خاصی در تجهیز افراد در خدمت دارد. ثالثاً، از برنامه، یا نقشه ده‌ساله جهاد کبیر اکبر به بعد (۱۹۵۳-۱۹۶۳) برنامه‌ریزی بهائی جنبه جهانی گرفته است، و در داخل یک چارچوب جهانی است که هر کشور و سرزمینی اهداف خاصّ خود را دارد. رابعاً، برنامه‌ریزی بهائی ترکیبی از متمرکز و غیرمتمرکز است. ارشادات از بالا (بیت‌العدل اعظم - محافل روحانی ملی - مشاورین قاره‌ای) می‌آید، اما اختیارات مجریان محلی محفوظ است، و به عبارت دیگر طرح کلی برنامه تطبیق به شرائط و مقتضیات محلی می‌شود.

بی‌گمان برنامه‌های گسترش امر الهی در ایجاد همیاری و همکاری در میان احبّاء عامل مؤثری بوده‌اند، به فعالیت‌های تشکیلات بهائی جهت داده‌اند، و علت عمده تحرّک و پویائی جامعه‌ها محسوب می‌شوند. شگفت نیست اگر به شهادت آمارهای سالنامه بریتانیکا (دائرةالمعارف) امر بهائی در شمار سریع‌الرشدترین ادیان عالم محسوب است. آن چه ضمانت این پیشرفت را می‌کند تأییدات الهی است، و اگر به زبان عامی سخن گوئیم، فارغ از جنبه ماوراء طبیعی، علت موفقیت یاران آن است که در جهت تاریخ (سیر به سوی یک جامعه فراگیر، صلح بین‌المللی، و عدالت عمومی) شنا می‌کنند، نه در جهت خلافت، و از همین جهت است که پس از مضمی فقط یکصد و شصت سال جامعه بهائی، از نظر گسترش، بعد از مسیحیت دوهزار ساله قرار گرفته است.

شواهد این ویژگی‌ها در فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء

خصوصیات اساسی یک برنامه‌ریزی صحیح را در الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء به آسانی می‌توان بازشناخت. از جمله هدف‌گرائی را، و نوعی تجهیز منابع انسانی از طریق تشویق و تشجیع را، و نوعی زمان‌بندی مستتر را (نخست توسعه امر در داخل آمریکا و کانادا، - بعد گسترش آن به آمریکای لاتین، و در مرتبه بعد قارات سایر) و تعدادی دستورالعمل‌های اجرایی را (چون ترجمه آثار بهائی به زبان‌های محلی - توجه به فرهنگ مردم - تعیین شرائط اخلاقی مجریان نقشه الهی، یعنی مبلغین و مهاجرین) و بالاخره توجه آن حضرت به کارائی و مؤثر بودن روش‌های خدمت را. ذیلاً چند نمونه از بیانات مبارکه در مضامین مذکور را نقل می‌کنیم:

۱- هدف‌گرائی

در لوح اوّل که هدف آن فتح روحانی ایالات شمال شرق آمریکا است، از همان آغاز هدف را مشخص می‌فرماید: "از درگاه احدیت طلب تأیید و توفیق می‌نمایم تا آن جمع مانند شمع در اقالیم امریک برافروزند و نور محبت‌الله در قلوب روشن نمایند تا انوار تعالیم آسمانی خطه امریک را مانند این فضای نامتناهی به نجوم هدایت کبری روشن و مزین فرماید."

۲- تجهیز منابع انسانی

در همان لوح اوّل: "در بعضی شهرهای این ایالات هنوز نفوسی به انوار ملکوت روشن نشده‌اند و از تعالیم آسمانی خبر ندارند. لهذا از برای هر یک از شماها اگر ممکن باشد به آن شهرها بشتابید و چون ستاره‌ها به نور هدایت کبری برافروزید."

۳- تشویق و تهییج و تشجیع

در همان لوح اوّل: "حال نظر به استعداد و قابلیت خویش نباید نمائیم، بلکه نظر به عنایت و و فیوضات الهیه در این ایام نمائیم که قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید."

۴- صدور دستورالعمل اجرایی

در لوح پنجم: "دیگر همّتی باید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود. تأثیر شدید دارد."

در لوح ششم: "جمهوری مکزیکو بسیار مهمّ است. اغلب اهالی آن بلاد کاتولیک متعصّبی هستند. ابدأً از حقیقت تورات و انجیل و تعالیم جدیدۀ الهی خبری ندارند. نمی‌دانند اساس ادیان الهی یکی است ... ولی باید نفوسی که به مکزیکو می‌روند به لسان اسپانیولی مألوف باشند."

در لوح هفتم: "کتب و رسائلی به لسان‌های این ممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند." آن چه ذکر شد فقط چند نمونه است و بس.

۵- توجه به کارآئی و مؤثّر بودن

در لوح هشتم، پس از ذکر شرط ثانی موقّیّت، که الفت و محبّت بین احباب باشد، می‌فرمایند: "ای یاران، الفت الفت، محبّت محبّت، اتّحاد اتّحاد، تا قوّه امر بهائی در عالم وجود ظاهر و آشکار گردد" (ص ۳۰)

در بارۀ مبلّغین سیّار: "باید به نهایت قناعت بگذرانند" (ص ۳۱)؛ "تا خود منقطع الی الله نشود، چگونه می‌تواند دیگران را منقطع کند" (ص ۳۱)

۶- نوعی زمان‌بندی مستتر

در همان لوح هشتم می‌فرمایند که این حرب (جنگ اوّل جهانی) استعداد فوق‌العاده‌ای در مردم برای استماع تعالیم الهی و پیام صلح و یگانگی بوجود آورده. لذا لازم است بعد از خاتمه آن احبّای ذی شرائط به اطراف جهان شتابند و پیام الهی را برسانند. در آن صورت "در اندک زمانی نتایج عظیمه حاصل گردد." (ص ۳۳)

قبلاً گفتیم که در دو لوح نخستین حضرت عبدالبهاء به فتح اهداف داخلی آمریکا و کانادا قناعت فرمودند. بعد از آن اهداف خارجی را مطرح کردند (۶-۷-۸).

۷- ارزیابی راه رفته و راه باقی‌مانده

در اکثر الواح ملکوتی، حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرمایند که در بعضی ایالات و مناطق و ممالک احبّاء موجودند، ولی امر در آنها توسعه کافی نیافته، لذا نیاز به مبلغ و مهاجر تازه است. در لوح ششم آمده: "آلاسکا اقلیم وسیعی است. هرچند یکی از اماء رحمن به آن صفحات شتافته و در کتابخانه عمومی به کتابداری معین شده و به قدر قوه در خدمت قصور نمی‌نماید، ولی ندا به ملکوت الهی هنوز در آن اقلیم وسیع بلند نشده... لهذا تا توانید بکوشید و نفوس ناطقی منقطع الی الله و منجذب به نجات الله و منزّه و مقدّس به آن صفحات بفرستید..." (صص ۱۵-۱۶)

نتیجه‌گیری

دیانت بهائی نوعی تجانس ذاتی با اندیشه برنامه‌ریزی دارد. از این رو، پس از صدور الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء (۱۹۱۶-۱۹۱۷)، و خصوصاً بعد از شروع اجرای این الواح در نقشه هفت‌ساله اوّل آمریکا-کانادا (۱۹۳۷-۱۹۴۴)، یکی از مهمترین عواملی که جوامع بهائی را در حالت پویائی نگاه می‌دارد، همین نقشه‌های توسعه و تبلیغ است که کلاً از سرچشمه الواح ملکوتی مایه می‌گیرند. سخن را با بیانی از جمال اقدس ابهی خاتمه می‌دهم: "در خدمت حقّ و امر او بر یکدیگر سبقت گیرید. این است آن چه که شما را در این جهان و جهان دیگر به کار آید."^۸

يادداشت‌ها

- ۱- مکانيسم‌های توسعه‌يافتگی و کمی توسعه.
- ۲- چنانکه در لوحی به جناب ابن‌ابهر می‌فرمایند: "يا ابن‌ابهر در امور باید عواقب آن را ملاحظه نمود. هر امری که امروز سبب اعلاء کلمة‌الله و اقبال قلوب و انجذاب نفوس و ارتقاء مقام و ارتفاع شأن و انتفاع وجود است، باید به آن تمسک نمود."
- ۳- در کلمات مبارکه مکنونه است که ان الامور معلقة باسبابها.
- ۴- پیام آسمانی، ج ۲، ص ۲۵.
- ۵- همان کتاب، ص ۲۴.
- ۶- حضرت عبدالبهاء در بیانی فرموده‌اند: "حالا من لمّ خدمت را به تو می‌گویم. اوقات خودت را با خدا تقسیم کن. نصف روز را در تلاش معاش و تأمین زندگی مادی و شئون ظاهری صرف کن و نصف دیگر را در کسب فضائل اخلاقی و خدمت به آستان الهی اختصاص ده." (پیام آسمانی، ج ۲، ص ۱۳۶)
- ۷- در مورد نفوسی که به آلاسکا رفتند، چند مورد را باید در اینجا نام برد: غیر از مارگارت گرین که در ۱۹۱۵ به آلاسکا رفت و حضرت عبدالبهاء به او اشاره فرموده‌اند، ماریون جک و ری یوجین هاگ نیز به اطاعت از فرامین ملکوتی به آلاسکا رفتند.
- ۸- پیام آسمانی، ج ۲، ص ۱۳۵.